

نویسنده: ستیفن ام والت (Stephen M. Walt)
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هو (2018-07-11)
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

این هم تا هنوز افغانستان بدتر نیست
it still doesn't get worse than Afghanistan

ترومپ از بیگانگی متحدان برای آغاز جنگ های تجاری اشتباهات
را در سیاست خارجی مرتکب شده است اما بزرگترین
اشتباه او «بارک اوباما» است

From alienating allies to starting trade wars, Trump has made plenty of foreign-policy errors. But his biggest blunder is the one Obama handed him

نادرترین و بی مفهوم و بی ماهیت ترین سیاست خارجی و دفاعی ایالات متحده امریکا در حال حاضر چیست؟ در اینجا کمبود کاندیدان شایسته و با ارزش وجود ندارد؟ پیگیری بی هدف از دفاع موشکی استراتژیک، که از دهه (1980) هزینه ای بیش از (200) میلیارد دلار داشته است اما همچنان نمی تواند محافظت قانع کننده ای را علیه حتی یک کپسول هسته ای مانند کره شمالی را فراهم کند.

افسردگی احمقانانه رییس جمهور «دونالد ترومپ» با یک جنگ جهانی تجاری و بویژه ادعای روشن و شفافانه و شگفت آور آن که واردات از کانادا... کانا دا است؟ نوعی تهدید امنیتی ملی را تشکیل میدهد. ایالات متحده حتی متحدان مختلف خاور میانه خود را برای دخالت در کشورهای مانند دریمین اغلباً به ناکامی مواجه ساخته است یعنی که دخالت متحدان امریکا در خاور میانه ناموفق بوده است. لذا من از مداخله کردن ترومپ به کره شمالی و هم با ایران را پس آیا آغاز نکنم؟ و یا در مورد مداخله دونالد ترومپ بر این دوکشور متذکره چیزی نگویم؟

این همه متقاضیان دارای اعتبار هستند ولی بدون شک و تردید دیگران نیز وجود دارند - اما برای پول من و (شما)، تنها جنبه غیر قابل دفاع و غیر قابل تردید و سیمای مغز مرده و از کار افتاده سیاست خارجی ایالات متحده امریکایی که امروز کاملاً بی ثمر بودن آن روشن است تلاشی بی وقفه برای شکست دادن طالبان و دستیابی به نوعی پیروزی معنی دار در افغانستان است که ایالات متحده تلاش کرده که این کار را تا زمانیکه وزیر امور خارجه ما یک پمپو بروی پاشنه از آخرین آتش بس شکسته ای کشور که اکثر امریکایی ها آنرا نادیده گرفته اند بروز دوشنبه وارد کابل شد و تلاش کرد که اغلب امریکایی ها نادیده گرفته شود و یا بسیاری از آنها احتمالاً فراموش کرده اند (و یا هرگز نمیدانستند) که دخالت امریکا در افغانستان حتی آغاز شده است و از جمله برخی از نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا که به آنجا فرستاده میشوند.

یک مرور ویا بررسی سریع: ایالات متحده امریکا در ابتدا یعنی بعد از ماه سپتمبر سال (2001) نیروهای نظامی خود را به افغانستان فرستاد تا اسامه بن لادن

را بدست بیاورند و یا او را دستگیر کنند و دولت طالبان را سرنگون سازند. چونکه طالبان حاضر به تحویل و تسلیم دادن اسامه بن لادن به جانب امریکایی ها نشدند. که این تصمیم بصراحت درست هم بود و از سوی هم گرچه که فرماندهان ایالات متحده امریکا توره پوره (محل بود و باش اسامه بن لادن در داخل قلمرو افغانستان) را از تصرف طرفداران اسامه بن لادن آزاد ساختند و گذاشتند که اسامه بن لادن به پاکستان برود - اما اکنون اسامه بن لادن مرده است، تاجا یکه همکاران نزدیک او مرگش را تا بیید کردند ولی رویهمرفته چیزی که قابل تذکر است منطق اصلی در اینجا است که زمینه مداخله برای امریکا در قلب آسیای میانه مساعد شد که اکنون از ارزش این آرزو نیز کاسته شده است.

متأسفانه و یا دریغاً از اینکه ایالات متحده امریکا و متحدان آن تصمیم گرفتند و گفتند زمان آن فرا رسیده است که در افغانستان نوع از دموکراسی لیبرال را پیاده کنند. چونکه بزعم آنها در این کشور سنت های دموکراتیک وجود ندارد و یا به عبارتی ساده این کشور به فقدان سنت های دموکراتیک، تقسیمات عمیق داخلی، سطح بالای بیسوادی، فقر و تنگدستی و همچنان مواجهه به دخالت کشورهای همسایه و بسا موانع دیگر روبرو است. تاجا یکه و اشنگتن از همان روزهای اول تجاوز تاکنون باز کردن این گریه از مشکلات را گریخته دنبال کرده است و آنچه که انتظارات داشت نتوانسته به آن نایل آید و یا به وعده های داده گی خود نتوانسته جامه عمل بپوشاند. با وجود مصرف در حدود یک تریلیون دالر و تا هنوز که هنوز است مالیه دهندگان ایالات متحده امریکا در حدود (45) میلیارد دالر سالانه هزینه میکنند و افزون بر آن در این جنگ نامعلوم تاکنون تقریباً (2400) سرباز امریکایی جان های خود را از دست داده و به ابدیت پیوسته اند.

لذا ایالات متحده امریکا با وجود این همه تلفات مادی و بشری چه دستاوردی را به مردم خود و دنیای معاصر نشان میدهد؟ حالانکه امروز طالبان کنترول اکثر بخش ها و ساحات افغانستان را در تحت تصرف خود آورده و بر آن ساحات نظارت و کنترول میکنند و نظر به هر زمان دیگر همین اکنون بیشتر توانمند هستند. قابل تذکر است که در این جنگ در طول سال (2017) تلفات افراد ملکی به بالاترین حد و قله ای خود رسیده است و با گذشت هر روز گراف مرگ و میر غیر نظامیان در افغانستان بیشتر و بیشتر میگردد. از سوی هم تولید تریاک در کشور صرف نظر از اینکه ایالات متحده امریکا برای منع کشت و امحای آن به ملیاردها دالر مصرف کرده است در اوج تولید خود قرار گرفته است. و نیز دولتی را که امریکا در کابل در تحت حمایت خود قرار داده است یک دولت آکنده با فساد و اختلاس کاملاً غوطه ور است - بی نظمی در داخل دولت اکنون به درجه هرج و مرج خود رسیده است چنانچه که هفته گذشته نیویارک تایمز گزارش داد که نیروهای دولتی با یک قوماندان شبه نظامی در تحت اداره و کنترول پیامتد عبد الرشید دوستم معاون اول رییس جمهور و مخالف رییس جمهور « اشرف غنی »

و مشخص شماره یک مخالف طالبان که بیرون از افغانستان در تبعید حیات بسر می برد درگیر شده و آن قوماندان شبه نظامی نظر به دستور مقامات بالای دولت همین اکنون تحویل زندان شده محبوس میباید و وضع در ولایت شمال کشور تا حدی نارام و ناامن شده است .

مطمیناً که تزریق پول یا سرآزیر شدن اسعار خارجی در سال (2002) به افغانستان بوضوح که تأثیرات مثبت چندی بر اوضاع افغانستان گذاشت اما اینکه این پول ها چطور و چگونه و در کجا بمصرف رسید و یا چرا که این پول ها نتوانست مبرمترین مشکلات افغانستان را حل و فصل کند در این مورد سرمفتش باز نشسته ویژه وزارت دفاع امریکا برای بازسازی افغانستان طی راپورهای چندی خود ضمانت قابل توجهی را برای این پول ها دریافت کرده است . او میگوید که برای به ثمر رساندن پروژه ها و جوه تخصیصه که تعیین شده بود، پروژه به اکمال نرسید و یا کارپروژه متوقف شد و پول تخصیصه ای پروژه درسیاه چال های فساد، فساد پیشه گان و رشتخوران ناپدید شد - امریکایی ها میگویند که نیاز مصرف این پول ها همه و همه به این وجهه بود تا افغانستان مجدداً به پناهگاه های امن گروه های تروریستی اعم از القاعده و جنگجویان دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه تبدیل نشود. پس با در نظر داشت همین دلیل منطقی اداره «اوباما» تصمیم گرفت که در سال (2009) در تعداد و شمارش سربازان امریکایی در افغانستان افزایش بعمل آورد و دونالد ترومپ نیز با در نظر داشت همین اقدام مشا به نمود و تعداد چندی از سربازان امریکایی را به افغانستان بخاطر انجام ماموریت های از قبل تعیین شده شان فرستاد . نباید فراموش کرد که طولانی شدن جنگ در سال (2009) در نظر بعضی ها کم اهمیت تر بود و امروز این جنگ حتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است زیرا القاعده و دیگر افراط گرایان خشن در بسا کشورهای دیگر برای خود لانه امن درست کرده اند و امروز کشوری نیست که آنها یعنی تروریست ها وجود نداشته باشند و علیه غرب به جهاد کمر همت نه بسته باشند .

نکته ای پایانی اینست که تلاش ایالات متحده امریکا در افغانستان در تحت زعامت دونالد ترومپ به شکست و ناکامی مواجه است همانطوریکه تلاش های بی وقفه ای بارک اوباما و جورج دبلیو بوش بی ثمر و مواجه به شکست شد .

ما دوست داریم و یا میخواهیم پیوسته فکر کنیم که دموکراسی ها در سیاست عمومی و یا عامه بهتر عمل میکنند چراکه در مورد هر موضوع بحث رود و با ز صورت میگیرد ، اشتباهات شناخته میشود و در تصحیح اشتباه اقدام صورت میگیرد در حالیکه دیکتاتورها ظاهراً با مخالفت های مخالفین مواجهه نیستند و بنا بر این بدون هیچ مخالفتی میتوانند هر آنچه بخواهند انجام میدهند .

(17) سال گذشته سیاست ایالات متحده امریکا در آسیای مرکزی ؛ باید در مورد داشتن اعتماد به نفس ما را تا حدی به مکث روی آن وادارد زیرا که در این مورد منحنی

یادگیری همانند فرودگاه بگرام است .

چرا ایالات متحده امریکا در جنگ افغانستان شکست خورد؟ شکست امریکا در این جنگ بیشتر به دلیل میتواند باشد از اینکه امریکایی ها وظیفه ای را که برای خود از قبل تعیین کرده بودند واقعاً و یا کاملاً که سخت و دشوار بود . و در کنار آن ابزارهای را که بکار بردند آن ابزارها نابکار و نامناسب بود یعنی بدون شناخت عمق پرابلم ابزار نامناسب را بکار بردن خود اقدام نامطلوب است - از جمله راندن طالبان از قدرت اقدام و عمل آسان بود اما بعوض آنها جاگزین کردن یک قانون اساسی مدرن با شکل و شما یل غربی و مجموعه متناظر و مشابیه با نهاد های سیاسی غربی هدف عجب و غریب و یا میتوان گفت که در تضاد با واقعیت عینی درجا معه افغانستان بود . بویژه آنهم در یک جامعه دور که کمی و یا هیچ وجهه مشابیه به ایالات متحده امریکا نداشت . طالبان قصد ندارند به جای در هر کشور دیگری صرف نظر از پناهگاه های که در همسایگی افغانستان یعنی در پاکستان دارند بروند و یا در سراغ پناهگاه ها شوند- افزون بر آن آنها از نزدیک اقدامات نظامی ایالات متحده امریکا را دنبال میکردند که همچو اقدامات باعث خشم مردم در سراسر کشور و نزدیکی آنها به طالبان شد و طالبان توانستند که به استخدام مردم در صفوف نیروهای جنگی خود نایل آیند و به توان و قدرت جنگی خود بیافزایند . بیمورد نخواهد بود تا از یک سرمشاور ارشد پیشین یک تیم تحقیقاتی مربوط وزارت دفاع افغانستان در اینجا نقل قول نکنیم : طوریکه او گفته بود : (رساندن آسیب های غیر نظامی بمردم توسط ایالات متحده امریکا ، نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغان به رشد طالبان منجر شد و تحت فشار قراردادن روابط ایالات متحده امریکا و افغانستان ، تلاش های جنگ را تضعیف کرد .)

علاوه بر این مقامات و فرماندهان ایالات متحده امریکا مستقر در افغانستان فاقد اطلاعات موثق محلی بودند چونکه همه میدانیم و آن اینکه بدون داشتن اطلاعات موثق ساخت و ساز موفقیت غیرممکن است ؛ آنها یعنی فرماندهان امریکایی نمیدانستند که رهبران و یا صاحبان با نفوذ محلی را چگونه به اعتماد یا به حمایت از خود بکشانند و از سوی هم آن شبکه های وسیع و بی نظیر و پیچیده که بخاطر جلب اعتماد مردم کار میکردند به نسبت عدم شناخت و واقعیتها شکست خوردند چونکه آنها عاجز از درک تغییرات روز افزون در اجتماع مردم افغانستان بودند و یا اگر زمانی بعضی از ما مورین و کارمندان در این رشته از وظایف کمی تجربه کسب میکردند ماموریت شان به پایان میرسید و جاگزین های شان مجدداً نیاز به زمان طولانی داشتند تا در شناخت پرابلم ها چیره شوند و یا تجربه بدست آورند یعنی که جاگزین های ما موران و کارمندان اسبق باید فرایند یادگیری را دوباره آغاز میکردند

بدتر از همه اینکه ایالات متحده امریکا اهرم مالی بسیار کمتر از آنچه که فکر میکرد داشت . دولت مرکزی در کابل انگیزه ای کمتر برای اجرای اصلاحات و یا ریفورم ها را

در اجندای خود داشت که ممکن است یک روز به شکست طالبان کمک کند چرا که
میلیاردها دلار کمک های اقتصادی امریکا در جیب های مفسدان ریخت چونکه اگر
پیروزی با رمی آمد جریان این پول های به اصطلاح با آورده می خشکید و به همین
دلیل بود که مقامات ایالات متحده امریکا اصرار داشتند که شکست در جنگ افغانستان
و یا خروج از آن کشور انتخاب خوبی نیست ، آنها مشتریان محلی خود را تحت فشار
قرار داده نمیتوانستند که راه خود را تغییر دهند و با تهدید آنها را و ابدارند و یا مجبور سازند
که بخانه برگردند و یا آنها را به سر نوشت نامعلوم شان رها کنند .

آنچه که شاید بیشتر شگفت انگیز باشد و یا شاید که فکر دوم این نباشد که چنین است :
که رژه یا نمایش دستجمعی فرماندهان ایالات متحده امریکا از پذیرفتن اینکه این یک
جنگ است که نمیتوان در آن برنده شد رد شود یعنی که فرماندهان امریکایی بصورت
کل شکست را در این جنگ نمی پذیرند بلکه در عوض هر یک از این فرماندهان چه جدید
التقر و چه فرماندهان سابقه اصرار می ورزند و یا تاکید دارند که آنها در حال دور زدن
در گوشه و یا در کناره هستند ، این نوع ادعا ها تقریباً از مدت یک دهه است که سر زبان
های فرماندهان سابقه و موجود امریکا رد و بدل میشود که این خود به معنی و به مفهوم
امید و آرزو است و نه یک واقعیت ؟ با این حال روسای جمهور ، قانون گذاران ، و فرماندهان
نظامی همه و همه به اصرار می پردازند که ایالات متحده امریکا بخاطر دورنمای
موفقیت در این جنگ با دید هزینه های بیشتری را مصرف کند و در همین نوع منازعات
و کشمکش ها چرخ جنگ را با دید متوقف نسازد هر چند که انتظارات از موفقیت امروز
بیش از ده سال پیش نیست یعنی که امریکایی ها از مدت ده سال است که در انتظار
موفقیت و بُرد در این جنگ لحظه شماری میکنند .

جنگها نظیر این جنگ بگونه ای یک بخش و یا یک جزوه ادامه می یابد چونکه (1) هیچ
کس نمیخواهد اظهار و یا اعتراف کند که ایالات متحده امریکا قدرت مطلق ندارد (2)
آنها جنگ را بگونه دواطلبانه توسط دواطلبان پیش می برند (3) میزان تلفات نیروهای
جنگی امریکا در حال حاضر در جنگ افغانستان بمراتب پایین آمده است . (4) آسان
ترین ترس از آخرین ترس واضطراب فراموش کردن یک جنگ به فرسخ های دور
است جنگی که به ندرت خبر آن در رادیو و یا در تلویزیون به نشر میرسد و یا که
عمدتاً در صفحات عقب روزنامه ها محدود میشود .

بنا بر این هواپیماهای جنگی بدون سرنشین امریکا ؛ بدون در نظر گرفتن و یا شناخت
جنسیت با امید کمی از پیروزی و یا شکست و برگشت بخانه به پروازها و عملیات های
خود ادامه میدهد .

هر کس که عمل میکند ، اشتباه نیز میکند ولی تلاش های خاصی را دنبال میکند تا
اشتباهات گذشته اش را اصلاح و نیز سعی میکند که دگر اشتباه نکند ؛ اما ما امریکایی
ها از دو دهه به اینطرف است که مرتکب اشتباه بر سر اشتباه شده ایم یا که اشتباه

میکنم چونکه ما با تاکید چنین نظر داریم که ما نباید از پیامدهای طولانی مدت سیاسی دست برداریم - ادامه حمایت از سیاست های گنگ و بی مفهوم نظیر فشاری بر ادامه جنگ در افغانستان ، موجب تضعیف ادعا های موسسات و یا نهادهای واشنگتن دی سی بر قدرت ، بیش ، تخصص و یک پارچگی میشود و این خود موجب آن میشود که کسی مانند «دونالد ترومپ» بر احتی «بلا فاصله» نخبگان سرزمین را نادیده بگیرد و از توصیه های اش در مورد مسایل «بگونه مسله تجارت» دیگر هارا مخاطب قرار دهد رفتار «ترومپ» با ادامه سیاست خارجی اش یک فاجعه است . اما باتوجه به پیشرفت و یا ایجاد حباب ها در سالهای اخیر آیا میتوانید اورا بخاطر اینکه فکر میکند که او میتواند بهتر عمل کند اورا سرزنش کنید ؟ بااحترام